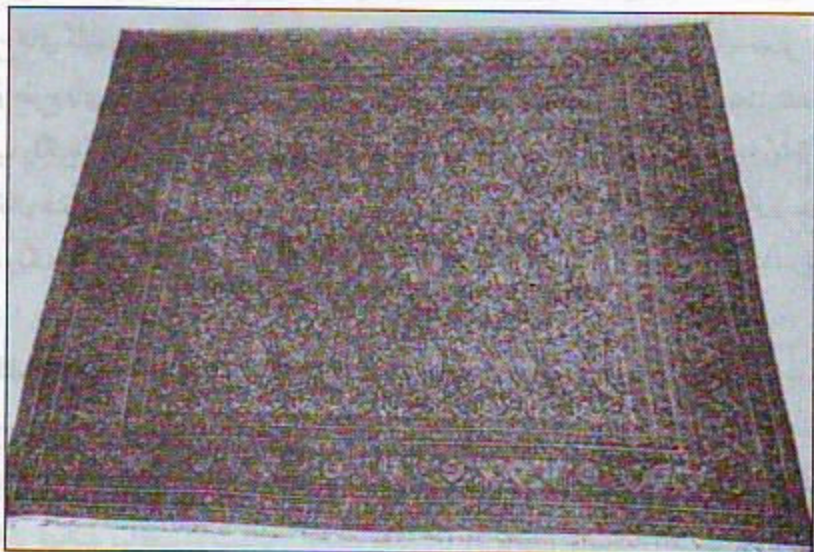




شکل ۲۲۸. یک نمونه از فرشهای دوره قاجار



شکل ۲۲۹. یک قالی از عهد قاجاریه

## گلیم بافی

گلیم بافی

گلیم یکی از صنایع دستی خانگی است که در اکثر مناطق ایران بافته می‌شود. گلیم بافی چون قالی بافی در کشور ما سابقه‌ای دراز دارد و این دو هنر در کنار هم تنوع و تکامل پیدا کرده و قرن‌ها است زینت بخش خانه و کاشانه شهری و روستائی بوده و هست.

قالی بیشتر در منازل شهری به کار می‌رود و به خاطر گرانی آن مطلوب بیشتر روستائیان نیست، ولی گلیم به دلیل بافت ساده و هزینه کم و قیمت ارزان، مورد استفاده روستائیان است.

گلیم بیشتر برای مفروش کردن کلبه‌ها و سیاه چادرها بافته می‌شود و بافندگان کمتر در فکر فروش آن هستند، چون مردم هر ناحیه برای رفع احتیاج خود مطابق میل و سلیقه خود گلیم می‌بافند.

تنوع طرح و رنگ گلیم به اندازه‌ای زیاد است، که امکان طبقه‌بندی آن در گروه‌های معین بسیار مشکل و دشوار است.

در میان صدها گلیم به ندرت چند گلیم را می‌توان یافت که شبیه به هم باشد، زیرا که طرح بافت آنها از پیش آماده نبوده، بلکه تابع ذوق و سلیقه بافنده آن است.

طرح‌های گلیم بیشتر مایه از اشکال هندسی می‌گیرد و به علت بافت خاص آن، کمتر انحناهای ظریف و طرح‌های اسلیمی قالی را می‌پذیرد. این طرح‌ها اغلب اشکال هندسی در هم شونده است که در ترکیب رنگی به رنگ دیگر، طرح کلی گلیم را پدید می‌آورد.

اشکال هندسی رنگین و متنوع، در سطح بافت گلیم تکرار می‌شود و رنگ‌ها در گلیم چنان زنده است که رنگ‌های شاد طبیعت را بیاد می‌آورد.

## انواع گلیم

طرح‌های مرسوم گلیم عبارتند از: چشم خروسی، راسا، جنا

دختران و زنان روستایی غیر از کارهای خانه، نقش‌های سازنده دیگری هم در زندگی خانوادگی دارند و اگر بتوانند در فصل زمستان و اوقات بیکاری، دار قالی و قالیچه و گلیم برپا کنند، به بافتن مبادرت می‌نمایند. زنان روستایی برای دخترشان که می‌خواهد ازدواج کند، قالیچه و گلیم می‌بافند، آنها رویای طلایی خود را در شکل‌ها و رنگ‌های گلیم و بافته‌های دیگر دستی ظاهر می‌کنند و

حالت بدوی ساده و خوش آیند گلیم‌ها از همین جا ناشی می‌شود.

وسیله کار عبارتست از دو چوب افقی و دو چوب عمودی و یک وسیله آهنی ده دندانه که به اصطلاح محلی چنگک نام دارد.

گلیم انواع مختلفی دارد مثل گلیم کنفی، پشمی، گلیم پنبه‌ای، گلیم پشم مصنوعی و نوعی گلیم دیگر هست که بیشتر در قزوین یافته می‌شود و به آن گلیم گونیا می‌گویند که نه پشمی است و نه پنبه‌یی بلکه از پارچه درست می‌شود.

زنان روستایی پیراهن‌های پاره و مستعمل را می‌شویند و پارچه را بصورت رشته‌های باریک در می‌آورند و می‌تابند و ریسمانی تهیه می‌نمایند و با دستهای معجزه‌گر خود و تخیلاتشان گلیم درست می‌کنند.

گلیم پشمی را بیشتر روستائیان و عشایر آذربایجان غربی می‌بافند و آنها به علت رواج دامپروری، مواد لازم را به حد کافی در اختیار دارند و پشم را خودشان می‌ریسند و برای زیرانداز خود گلیم می‌بافند. نقش این گلیم، کاملاً اصیل و از زندگی آزاد مایه گرفته است.

نوع دیگر از گلیم سوزنی است و به علت بافت مشکلش بسیار کمیاب است، گلیم سوزنی مانند یک پارچه معمولی است که روی آن گلدوزی می‌شود. گلیم سوزنی را مانند گلیم معمولی می‌بافند و سپس با سوزن نقشه‌های برجسته‌ای روی آن اضافه می‌کنند، این نقش‌های برجسته، ضمن کار باید انجام گیرد نه بعد از اتمام کار.

گلیم‌های معمولی با نخ پشمی یا پنبه‌ای و یا کنفی بافته می‌شود برای بافتن این نوع گلیم‌ها بافندگان نقش مورد نظر را روی کاغذ شطرنجی می‌کشند و از روی آن گلیم را می‌بافند.

## گلیم گوبالی

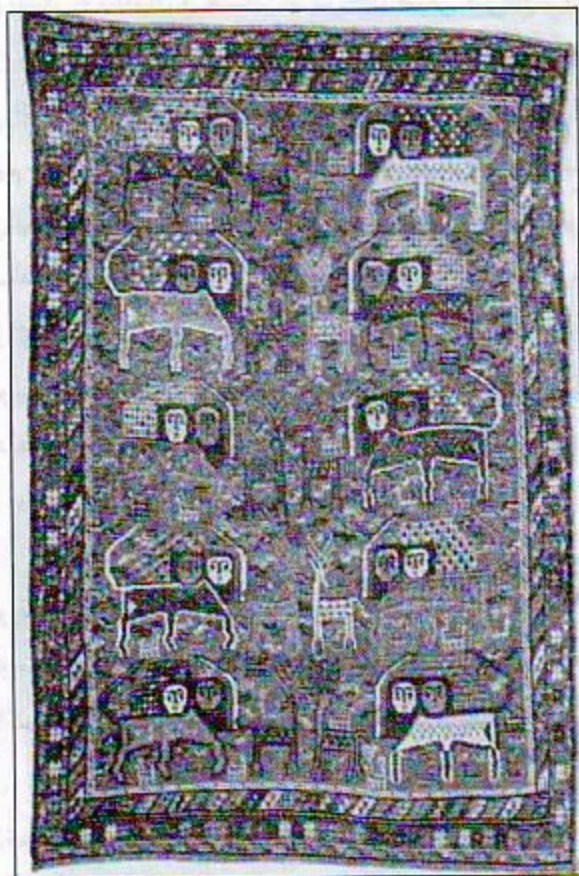
بافت خیلی ظریف دارد و به همین دلیل، با نخ نازک بافته می‌شود. ظرافت و زیبایی و ارزش این نوع گلیم بستگی به مهارت بافنده دارد، نخ‌ی که برای بافتن این نوع گلیم به کار می‌رود چند رنگ است و بافندگان با کم و زیاد کردن نخ‌ها، سایه روشنی ایجاد می‌کنند که به گلیم زیبایی خاصی می‌بخشد.

در استان مرکزی، در گرمسار، ورامین به خصوص کاشان صنعت گلیم بافی و تهیه زیلو رونق دارد و عده زیادی به این کار اشتغال دارند، ولی در سالهای اخیر به علت رواج انواع فرش ماشینی و موکت، گلیم و زیلو، خریدار زیاد ندارد.

گلیم بافی در استان کرمانشاهان مانند سایر مناطق کشور، حرفه‌ای خانگی محسوب می‌شود و تنها زنان به این کار مشغولند. در حال حاضر بخش هرسین از توابع کرمانشاه و بخش گیلان غرب از توابع شهرستان شاه آباد غرب از مهمترین مراکز تولید گلیم است، بطوری که تحقیق شده است در هرسین ۶۰۰ دستگاه و در گیلان غرب ۱۵۰ دستگاه گلیم بافی وجود دارد.

بطور کلی در بیشتر شهرهای ایران به خصوص در قلمرو عشایر و چادرنشینان، گلیم بافی رواج کامل دارد زیرا هم سبک است و هم ارزان و زیبا.

نقش گلیم‌ها بطور کلی بیشتر هندسی است حتی نقش حیوانات را با خطوط هندسی مشخص می‌نمایند نمونه این نوع گلیم، که نقش حیوانات بخصوص شیر را دارد، در میان قشقایی‌ها رایج است. شکل (۲۳۰)



شکل ۲۳۰- گلیم قشقایی با نقش هندسی

## پارچه بافی

## پارچه بافی

بافتن پارچه‌های زری تا زمان ناصرالدین شاه در ایران معمول بود و پس از آن به علت ورود پارچه‌های ابریشمی از کشورهای خارج، این صنعت کم‌کم متروک گردید.

در اواسط قرن نوزدهم مقدار زیادی پارچه‌های ابریشمی از روسیه به ایران وارد گردید، علاوه بر این پارچه‌های زری نیز به وسیله بازرگانان، در بازارهای ایران عرضه شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

در این دوره نساجان ایرانی شالهای ابریشمی که طول آن گاهی به ۴ متر می‌رسید، بافته‌اند، زمینه این شالها دارای یک نوع نقش است و حواشی آن زردوزی شده و دارای نقوش نباتی است. در اواخر سلطنت قاجاریه، صنعت نساجی بیشتر در دو شهر یزد و کاشان رواج داشت و هنرمندان این دو شهر، پارچه‌های ابریشمی بسیار ظریف می‌بافتند، ابریشمی که نساجان به کار می‌بردند از ابریشم رشت بوده است.

در کاشان علاوه بر پارچه‌های ابریشمی، مخمل‌های ابریشمی بسیار ممتازی بافته می‌شد که آنرا حسینقلی خانی می‌نامیدند و این مخمل‌ها، با بهترین مخمل‌های کارخانه ژن رقابت می‌کرد و اکنون در اغلب موزه‌های اروپا، نمونه‌هایی از مخمل‌های ایرانی یافت می‌شود.

در اواخر این دوره مخمل‌هایی در ایران بافته‌اند که نقش انسان داشته و در پشت این مخمل‌ها، نخ‌های قرمز و آبی و سبز و زرد با هم مخلوط شده است.<sup>(۱)</sup>

در موزه متروپولیتن نمونه‌های زیادی از گلدوزی ایرانی وجود دارد که انواع سوزن زنی در آن به کار رفته است. پارچه‌های گلدوزی شده، با طرح‌هایی از گل و بوته که برای استفاده زنان به کار می‌رفت، بسیار ظریف و زیبا بود و نمونه‌های آن در موزه‌های جهان یافت می‌شود. شکل (۲۳۱)

## شال‌های ترمه

ایرانیان به شالهای ترمه علاقه زیادی داشتند و رجال مملکت از ترمه برای خود لباس تهیه می‌کردند. این شالها در کرمان بافته می‌شد و نساجان کرمانی با دست این شالها را به وجود

می‌آوردند. تار و پود این شالها از موی بز و مثل ابریشم براق است، بزهای سفید در کرمان فراوان است و نساجان موهای بز را به رنگ‌های مختلف ملون می‌کنند و به کار می‌برند. یک نوع شال دیگر هم در کرمان بافته می‌شود، که آنرا سلسله گویند که زمینه آن ساده و بیشتر به رنگ کرم و قرمز و سفید است و زنان با سوزن و نخ‌های رنگین، نقش‌های مطلوبی بر روی پارچه به وجود می‌آورند.

در یزد نیز ترمه‌بافی معمول است و یکی از صنایع دستی این شهر به شمار می‌آید، سابقاً این هنر رواج زیاد داشت ولی امروزه کمتر به آن توجه می‌شود، و اکنون چند دستگاه ترمه‌بافی در یزد وجود دارد. مواد اولیه این صنعت در یزد ابریشم مصنوعی است، ولی برای بافت ترمه‌های گران قیمت، از ابریشم طبیعی استفاده می‌شود.<sup>(۱)</sup>

## قلمکار

هنرمندان ایرانی یک نوع پارچه دیگری درست می‌کنند، که به آن قلمکار می‌گویند و آن عبارتست از کشیدن نقش‌های مخصوص در روی پارچه‌های پنبه‌ای سفید یا نخودی و این کار را با قلم و یا با قالب‌های مخصوص انجام می‌دهند.

پارچه‌های قلمکار برای پرده، سفره و روی لحاف و لباس به کار می‌رود و تقریباً نقش‌های آن مشخص و ثابت است.

در خصوص قدمت این هنر باید گفت که قدیمترین نمونه‌هایی که از این هنر تا به حال به دست آمده مربوط به دوران بعد از غزنویان است و بطور کامل این هنر در زمان صفویه رواج و تکامل پیدا کرده است. در این دوره صنایع دستی به خصوص تولید پارچه قلمکار وارد مرحله جدیدی می‌شود و به مقدار زیاد در شهر اصفهان و یزد و کاشان تولید، و توزیع می‌گردد.

پیراهن‌های قلمکار متعلق به سلاطین صفویه که در موزه ایران باستان است، بهترین دلیل بر رواج و مصرف پارچه قلمکار در این دوره است.

برای تهیه پارچه قلمکار، نخست به موادی از قبیل چوب و رنگ و پارچه احتیاج است.

۱- چوب: نقش قلمکار به وسیله قالب‌های چوبی روی پارچه چاپ می‌شود، برای این کار قالب چاپ قلمکار را از چوب درخت گلابی و زالزالک می‌سازند، چون نسبت به سایر چوب‌ها

محکمتر و قابلیت انعطاف پذیری بیشتری دارد.

نقوش قالب‌های قلمکار متنوع و متعدد است و می‌توان آنها را به ده دسته تقسیم کرد.

۱- قالب‌های تصویر عشاق مانند یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون.

۲- قالب‌های تصویر مناظر تاریخی مثل چهل ستون، مسجد شاه و سی و سه پل و غیره.

۳- قالب‌های تصویر شعرا مثل فردوسی، خیام، حافظ.

۴- قالب‌های تصویر طبیعت مانند شکارگاههای سلاطین.

۵- قالب‌های تصویر حیوانات مانند طاووس، فیل و شتر. شکل (۲۳۲)

۶- قالب‌های تصویر داستان‌های کهن مانند روباه و لک‌لک

۷- قالب‌های تصویر رامشگران و نوازندگان.

۸- قالب‌های تصویر گل و بوته و نقش‌های اسلیمی. شکل (۲۳۳)

۹- قالب‌های تصاویر مینیاتوری.

۱۰- قالب‌های تصاویر کتیبه‌هایی که در مجالس روضه خوانی و تعزیه به کار می‌رود.



شکل ۲۳۱. پارچه کتان گلدوزی شده

قالب را بعد از آماده شدن با پیه چرب می‌کنند تا چوب خشک نشود و ترک بر ندارد. به این موضوع باید اشاره کرد که برای چاپ یک شکل چهار رنگ، چهار قالب به طور مجزا تهیه می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- رنگ: کیفیت رنگ در حقیقت مرغوبیت قلمکار را تعیین می‌کند، هر قدر در ترکیب رنگ‌ها و انتخاب مواد اولیه رنگ دقت شود، پارچه قلمکار مرغوبتر و با ارزش‌تر می‌شود. مهارت و تجربه هنرمندان ایرانی یکی از عوامل مهم پیشرفت این هنر به خصوص در رنگ آمیزی آن بوده است. در سال ۱۵۷۹ سر ریچارد باکلویت انگلیسی، یک نفر رنگرز و نساج را به ایران فرستاده و به او چنین دستور داده است: «با شماست بهر نحوی شده صنعت صباغی ایرانیان را در مورد رنگ کردن پشم بیاموزید زیرا ایرانیان چنان پشم را رنگ می‌کنند که نه باران و نه شراب و نه سرکه هیچکدام صدمه‌ای به رنگ‌های ثابت آنها وارد نمی‌آورد»<sup>(۱)</sup>

رنگ‌های اصلی مورد استفاده در قلمکار عبارتند: سیاه، قرمز، آبی، سبز، زرد. از ترکیب این رنگ‌ها به نسبت‌های معین رنگ‌های فرعی به دست می‌آورند، مثلاً ترکیب یک قسمت از رنگ سیاه با سه قسمت از رنگ قرمز رنگ قهوه‌ای حاصل می‌شود.

برای تهیه هریک از رنگها مواد طبیعی آن رنگ را در ظرف سفالی بنام تاره ریخته و با اضافه کردن مواد دیگری از قبیل کتیرا، گلیسیرین و آب، رنگ مورد نظر را به دست می‌آورند. برای تهیه هریک از رنگ‌های اصلی، کتیرا را برای جلوگیری از پخش شدن رنگ در روی پارچه به کار می‌برند. کتیرا را مدت ۱۲ ساعت در آب می‌خیسانند و سپس به رنگ در تاره یا ظرف سفالی اضافه می‌کنند.

گلیسیرین و روغن کرچک و کنگد در تمام رنگ‌ها به منظور ایجاد محیط مناسب و جلوگیری از خشک شدن رنگ در شیار داخل قالب‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تهیه هریک از رنگ‌ها مواد زیر به کار می‌رود.

### رنگ سیاه

۴۰ مثقال	۲- روغن کرچک	۶۰ مثقال	۱- زاج سیاه
۱۶۰ مثقال	۴- کتیرا	۰/۵ مثقال	۳- رنگ آبی



رنگ آبی

۱۰ مثقال	۲- نیلی نخودی	۱۰ مثقال	۱- نیل پرتاووسی
۴۰ مثقال	۴- شیره انگور	۵/۰ مثقال	۳- جوهر گوگرد
۱۰ مثقال	۶- کتیرا	۳ مثقال	۵- روغن گلگیرین

رنگ قرمز

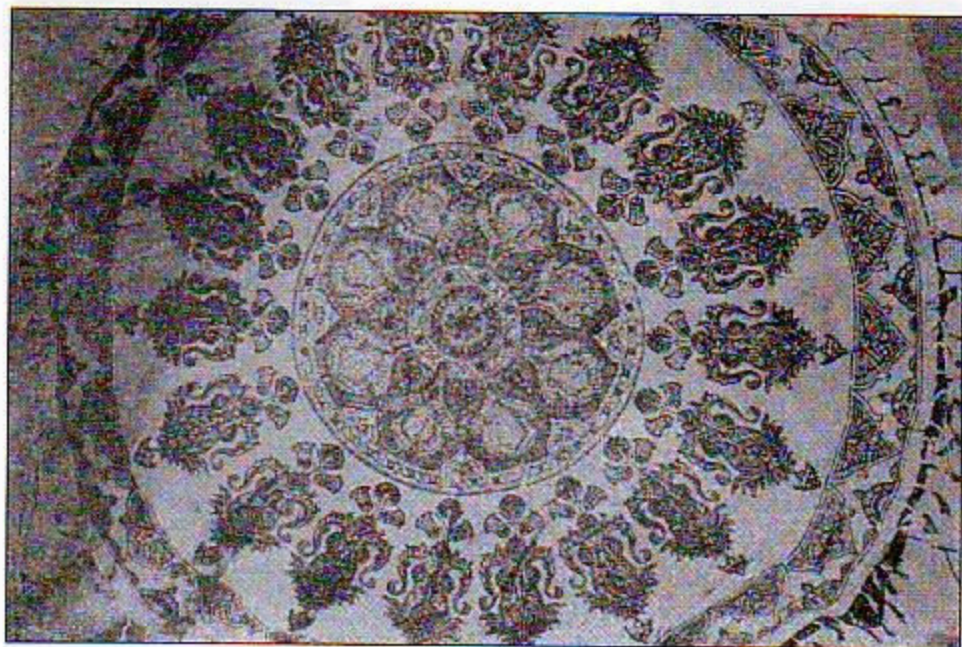
۵ مثقال	۲- گل سرخ	۴۰ مثقال	۱- زاج سفید
۱۰ مثقال	۴- کتیرا	۵ مثقال	۳- روغن کنجد

رنگ زرد

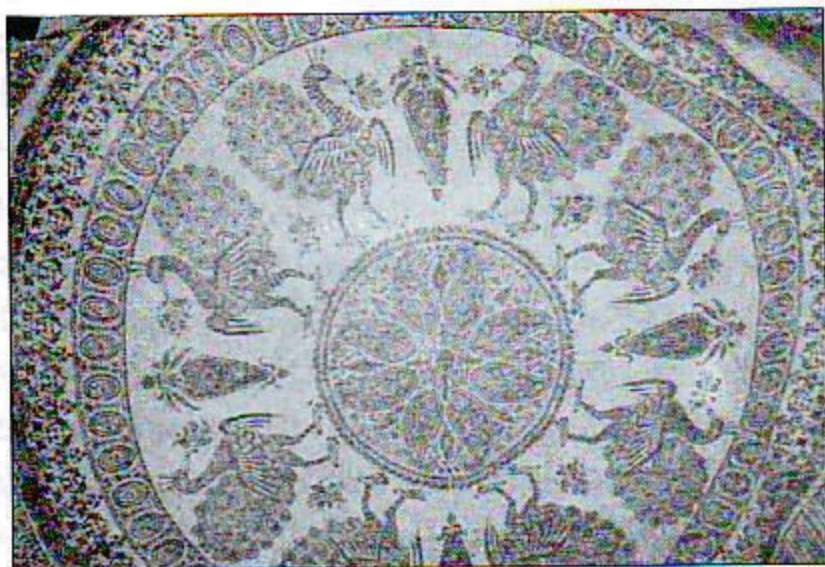
۵ مثقال	۲- زاج سفید	۶۰ مثقال	۱- پوست انار
۳ مثقال	۴- گلگیرین	۱۰ مثقال	۳- زردچوبه

رنگ سبز

۱۰ مثقال	۲- زاج سفید	۴۰ مثقال	۱- اسپرک
۱ مثقال	۴- زردچوبه	۱۰ مثقال	۳- نیل پرتاووسی
۳ مثقال	۶- گلگیرین	۱۰ مثقال	۵- کتیرا



شکل ۲۳۴- پارچه قلمکار با نقش حیوانی



شکل ۲۳۳. پارچه قلمکار

۳- پارچه: پارچه برای تهیه قلمکار باید نخی باشد، چون پذیرش رنگ برای الیاف نخی به مراتب زیاده‌تر از پشم است.

پنج نوع پارچه در تهیه قلمکار به کار برده می‌شود.

۱- پارچه‌های ابریشمی طبیعی

۲- کرباس که عمومیت دارد.

۳- متقال که ریزتر از کرباس بافته می‌شود و اکثر پارچه‌های قلمکار از این نوع است.

۴- ململ حاج علی اکبری

۵- چلووار و کتان بافت خارجی

پارچه‌های قلمکار به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- قلمکار معمولی که به وسیله قالب انجام می‌گیرد.

۲- قلمکار زرنگار.

۳- قلمکار هندی.

۴- قلمکار قلمی.

در حال حاضر رایج‌ترین نوع قلمکار، همان نوع اول است که بیشتر مورد استعمال دارد و

قیمتش نسبت به انواع دیگر ارزان‌تر است.

از آثار هنر قلمکاری، در موزه‌های داخل و خارج کشور وجود دارد که معرف مهارت استادان این فن است از جمله در کلکسیون معروف BARON JEROME مقدر زیادی از پارچه‌های قلمکار اصفهان دیده می‌شود. (۱)

## لباس زنان

لباس زنان از پارچه‌هایی دوخته می‌شد که در شهرهای مختلف ایران تهیه می‌گردید، از جمله شال کرمان و برک خراسان و قلمکار اصفهان و مخمل کاشان که درباره این پارچه‌ها توضیح داده شده است. نوع پارچه و دوخت لباس زنان در این دوره که علاوه بر زیبایی و مهارت بافندگان، معرف ذوق و سلیقه دوزندگان نیز هست. شکل (۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶)

زنان ایلات و عشایر نیز از پارچه‌هایی که خودشان می‌بافتند و باگل و بوته آنرا تزیین می‌کردند، استفاده می‌نمودند. لباس زنان عشایر و یا زنانی که در حال رقص محلی هستند بیانگر این موضوع است و نوع پارچه و ترکیب رنگ‌ها و سلیقه صاحبان آن را مشخص می‌نماید. شکل (۲۳۷-۲۳۸)



شکل ۲۳۵. لباس زن در عهد صفویه



شکل ۲۳۴. لباس زن در عهد صفویه



### لباس محلی



شکل ۲۲۷- عروس بندر عباسی در لباس محلی



شکل ۲۳۸- لباس زن بلوچ

در زمان قاجاریه، مردم طبقات ثروتمند به موسیقی توجه زیادی داشتند، به طوری که در سفره ناهار هم مطربان به کار خوانندگی و نواختن آلات موسیقی مشغول بوده‌اند، تا اعیان و اشراف و مهمانهای آنها، در حین صرف غذا، از صدای موسیقی نیز لذت ببرند.

در این دوره از چالانچی خان (به ترکی نوازنده) و از زهره و مینا و فتح‌اله میرزای شعاع السلطنه، فیروز میرزای نصرت الدوله نوازنده کمانچه و عبدالعلی معتمدالدوله که در نواختن تار ماهر بودند، نام برده شده است.

ملا عبدالجواد خراسانی، از ریاضی‌دانان زمان ناصرالدین شاه و استادان موسیقی بود که در خراسان اقامت داشت و عده‌ی شاگرد و مرید او بودند.

آخوند ملا محمدعلی، یکی دیگر از ریاضی‌دانان این عصر است که در موسیقی نظری استاد بوده است.<sup>(۱)</sup>

در دوره ناصرالدین شاه، مطربها به دو دسته تقسیم می‌شدند:

۱- دسته کورها مرکب از چهار مرد و زن بودند و رئیس آنها را که تار و کمانچه می‌زد، «کریم» می‌نامیدند. دختر کریم کمانچه می‌کشید و زن وی آواز می‌خواند.

۲- دسته دیگر «مومن» نام داشت، که خود او دایره می‌زد و آواز می‌خواند. این شخص در صحیح خواندن دستگاههای موسیقی دارای مهارت بود. یکی از دختران مومن، «ارگ» دستی می‌نواخت و دختر دیگر وی می‌رقصید و مادر آنها نیز ضرب می‌گرفت.

در این دوره، از موسیقی در اجرای برنامه‌های تعزیه استفاده می‌شود، زیرا علاقه‌مندان به خاندان حضرت امام حسین(ع) متوجه شدند که با کمک موسیقی و آهنگهای مجزون بهتر می‌توانند واقعه کربلا را در نظر بینندگان مجسم سازند و آنها را بیشتر تحت تأثیر قرار دهند، از طرف دیگر موسیقی بدون آواز هم از نظر علماء دین اشکالی نداشت و این امر مقدمه شرکت موسیقی در تعزیه گردید و باعث شد که بازار تعزیه خوانان رونق بیشتری به‌گیرد، و بدین ترتیب موسیقی توانست برای خود جایی باز کند.<sup>(۲)</sup>

۱- سرگذشت موسیقی ایران. روح‌الله خالقی، ص ۴۴

۲- سرگذشت موسیقی. خالقی، ص ۲۲۲

کیفیت شرکت دسته موزیک در تعزیه تکیه دولت، در زمان قاجار، بدین ترتیب بود که، دسته موزیک نظامی، پس از خروج دسته سینه زن، وارد تکیه می‌شد و بعد از نواختن یک قطعه محزون، شش گروه موزیک نظامی کوچکتر، متعاقب همدیگر وارد می‌شدند، و هر کدام قطعه‌ای نواخته و خارج می‌گردیدند. تنها دسته اول که کاملتر بود، در محل ویژه خود باقی می‌ماند، تا بتواند به موقع و با اشاره تعزیه گردان که در هر مورد عنوان خاصی داشت، قطعاتی بنوازد. آهنگهای حزن انگیز این گروه و آواز غم‌انگیز کودکان، با لباسهای مخصوص و مردانی که با زره و کلاهخود ملبس بودند، شنوندگان را برای دیدن وقایع بعدی که غم‌انگیز بود آماده می‌ساخت. (۱)

استاد خالقی در مورد دسته موزیک می‌نویسد:

دسته اول آلات موزیک مخصوص نقره‌ای رنگی داشت، که ملکه انگلستان در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به وی اهداء کرده بود، این دسته و چند دسته دیگر به دنبال هم و با نواختن مارش، وارد می‌شدند و در جاهای مخصوص خود قرار می‌گرفتند، تا به نوبت و قبل از شروع تعزیه نوازندگی کنند. در مراسم تعزیه هم، تعزیه گردان با اشاره دست و یا بلند کردن عصا که با متانت و خونسردی تمام صورت می‌گرفت، به دسته موزیک تفهیم می‌کرد که چه نوع آهنگی بنوازد. (۲)

## نقاره خانه

در دوره بعد از اسلام در موارد مختلف، مانند بزم و رزم و استقبال شاهان و سفرای بیگانه و حرکت لشکر برای جنگ، افتتاح مراسم و جشن‌های ملی از «طبل و بوق و کوس و دهل» استفاده می‌گردید که بعدها این نوع موسیقی نقاره نامیده شد.

در موارد زیر از نقاره استفاده می‌شده است:

**الف - هنگام غروب و سحر،** نقاره‌خانه در سمت راست سر در بازار شاه قرار داشت که از دو ایوان سرپوشیده تشکیل می‌شد و در آنجا هنگام غروب و سحر نقاره می‌زدند.

در زمان شاه عباس در محله عباس آباد اصفهان نقاره خانه دیگری به وجود آمد. تاورنیه می‌نویسد نقاره‌چی‌ها با آلات موسیقی خود که شامل «سُرنا، سنج، دُهل» و غیره بود، در طلوع و غروب و نصف شب در هر شهری موظف بودند که ربع ساعتی آلات موسیقی خود را به

صدا درآوردند، و برای این که صدای آنها به تمام شهر برسد، در محل بلندی قرار می‌گرفتند.

ب- تشریفات دولتی و مراسم خصوصی: در این نوع مراسم و همچنین اعیاد مختلف و مواقعی که شاه، حاکم یا فرمانده جدیدی معین می‌کرد، نقاره را به صدا در می‌آوردند. علاوه بر مراسم فوق، شاهان در مواقع طرب و شادی از نقاره‌چی‌ها استفاده می‌کردند «برادران شرلی» که در زمان شاه عباس بزرگ به ایران آمده‌اند، به برگزاری یکی از این مراسم که در حضور شاه صورت گرفته است، اشاره می‌کنند. علاوه بر پادشاهان، در دوران صفویه و سپس در زمان قاجاریه والی‌ها و «بیگلربیگی‌ها» اجازه داشتند که در محل حکومتی خود نقاره‌چی و نقاره‌خانه داشته باشند.

### موارد استفاده از نقاره در زمان قاجاریه

موارد استفاده از نقاره در دوره قاجاریه بشرح زیر بوده است:

- ۱- پیش از طلوع آفتاب، در بامداد و هنگام غروب در نقاره‌خانه آرگ می‌نواختند.
- ۲- در ایام عید و انعقاد سلام رسمی و جلوس شاه بر تخت سلطنت پس از نواختن نقاره، خطیب الممالک، خطبه مخصوص را می‌خواند.
- ۳- در غروب آفتاب «نقاره» و یکساعت از شب گذشته «طبل خبردار» می‌زدند و برای این که صدای طبل به همه برسد، طبال هنگام طبل زدن بدور خود می‌چرخید. یکساعت بعد از طبل خبردار، برای این که کسبه بساط خود را جمع کنند، طبل «برچین» و یک ساعت بعد طبل «به‌گیر و به‌بند» را می‌زدند و درهای دروازه‌ها را می‌بستند.
- ۴- شب‌های ماه مبارک رمضان، در این شب‌ها دوبار طبل را به صدا در می‌آوردند، هنگام افطار و سحر.

بعد از استقرار مشروطیت، کم‌کم نواختن نقاره از اهمیت افتاد. زیرا عده‌ای از افراد مستجدد و کسانی که فکر می‌کردند آنچه قدیمی است، باید رها کرده شود، نقاره‌چی‌ها را کنار گذاشتند و حقوق آنها را پرداخت نکردند. آنها در شب‌های ماه مبارک رمضان بدون گرفتن حقوق به کار خود ادامه می‌دادند.

آلات نقاره عبارت بود از:

- ۱- سرنا ۲- کرنا ۳- نقاره «که از دو طبل چسبیده یکی بزرگ با صدای بم و دیگری کوچکتر با صدای زیر» کاسه نقاره از مس و پوست آن هم از پوست گاو بود. ۴- گورگه طبلی بود از نقاره کوچکتر و پوست آن از گوسفند بود.



## تحولات موسیقی در دوران معاصر

در دوران صفویه و قاجار تا استقرار مشروطیت، به علت عدم توجه به موسیقی، این هنر رو به انحطاط گذاشت. هیچکس در این مدت (قبل از مشروطیت) از طریق علمی کتابی ننوشت، و اگر کسی هم اقدامی می‌کرد تنها به سرگذشت موسیقی‌دانان اکتفا می‌نمود، یا به طور ناقص قسمت‌هایی از کتاب «فارابی» یا «ارموی» را متذکر می‌شد.

در دوران ناصرالدین شاه، میرزا تقی خان امیرکبیر با توجهی که به علوم و صنایع و هنرهای زیبا داشت، در دارالفنون شعبه‌ای نیز به آموزش هنر موسیقی اختصاص داد.

چند سال بعد ناصرالدین شاه برای استخدام یک استاد موسیقی اقدام کرد، که بنا به معرفی دولت فرانسه، مسیو لومر برای تدریس موسیقی استخدام شد. این شخص در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه سمت «موزیکانچی باشی» دربار را داشت.

چون هدف از تأسیس شعبه فوق در دارالفنون، استفاده از موسیقی نظامی بود «مسیو لومر» تنها به سازهای بادی توجه نمود و کتاب تئوری موسیقی، به فارسی ترجمه و تدریس شد. در زمان تصدی مسیولومر و پس از تأسیس شعبه موزیک نظام در دارالفنون، اصطلاحات جدید متداول گردید: کلمات موزیک بجای «نقاره» موسیقی و موزیکچی و یا موزیکانچی بجای «نقاره‌چی» معمول گردید. ضمناً اصطلاحات موسیقی متداول در مغرب زمین و استفاده از سازهای بادی در ایران معمول و با قواعد و اصول علمی موسیقی غربی و شیوه آهنگسازی و هماهنگی موسیقی نظامی غربی نیز آشنایی حاصل گردید.

درباره مسیولومر، باید اضافه نمود که وی در مدت اقامت در ایران که از سال ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۵ به مدت هفت سال به طور انجامید، علیرغم نداشتن همکار و ندانستن زبان فارسی، آموزش موسیقی را به شاگردان خود آغاز کرد و با پشتکار و استعداد و نحوه نظارتی که خودش بر کارها داشت توانست بعد از چند سال ارتش ایران را با چند نوع موسیقی نظامی آشنا کند.<sup>(۱)</sup>

در همین اوان یک نفر اطریشی نیز بنام «گوارت» برای تدریس موسیقی به ایران آمد. مزین‌الدوله که سمت مترجمی «لومر» را داشت، با کمک او، اولین کتاب تئوری موسیقی، در سال ۱۲۶۱ شمسی با چاپ سنگی در چاپخانه دارالفنون به طبع رسید. تعلیم سلفژ و بعضی سازهای بادی به عهده (گوارت) بود و بقیه درسها به وسیله «لومر» تدریس می‌گردید. در اوایل به علت کمبود

معلم موسیقی و نبودن کتاب، اولین دوره زیاد طول کشید. بعد از مدتی کتابها از خارج رسید و یک فرانسوی دیگر بنام «دووال» برای تعلیم ویلن و سایر سازهای زهی استخدام گردید. بعد از چند سال فعالیت، یک دسته موزیک آرتش برای اولین بار آماده گردید و کم‌کم بر تعداد آنها افزوده شد.

## موارد استفاده از موزیک نظامی

- ۱- در روزهای عید، اگر شاه وارد کاخ مرمر می‌شد و بر صندلی می‌نشست، سلام ایران را توسط موزیک می‌نواختند.
  - ۲- در مسافرت‌های بیلابلی شاه دو دسته موزیک همراه شاه بود، که به نوبت صبح و عصر موزیک نظامی می‌نواختند.
  - ۳- در تشریفات رسمی درباری و شرفیابی سفرای خارجی.
  - ۴- در تعزیه تکیه دولت.
  - ۵- همه روزه از یک ساعت به غروب آفتاب تا مدتی بعد از غروب، موزیک نظامی در جاهای بخصوص و معینی نواخته می‌شد.
  - ۶- در عروسی، اشخاصی که حاضر بودند، مبلغی به عنوان انعام پرداخت می‌نمودند. در این صورت موزیک دومرتبه به خانه عروس می‌رفت، یکی بعد از ظهر روز عروسی، موقع بردن لباس حمام داماد و دفعه دوم موقع بردن عروس به خانه داماد.
- به موازات انجام کارهای موزیک نظامی که هدف اصلی «لومر» بود. به طور غیر مستقیم فعالیت هنری دیگری انجام گرفت، که در تحول موسیقی تأثیر زیادی داشت. از مهمترین اقدامات «لومر»
- ۱- اداره کردن کلیه امور موزیک به عنوان موزیکانچی باشی
  - ۲- تربیت موزیکانچی و تشکیل دستجات منظم موزیک نظامی
  - ۳- تربیت عده‌ای افسر به منظور اداره کردن موزیکها
  - ۴- ادامه کارهای «دووال» فرانسوی که در اوایل کار، برای تدریس ویلن و تشکیل ارکستر زهی به ایران آمده بود و خیلی زود به فرانسه بازگشت.
  - ۵- تنظیم چند قطعه موسیقی ایرانی برای پیانو.

این قطعات در پاریس چاپ شد و شامل قسمتی از آواز چهارگاه، همایون و ماهور بود. در سومین مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا «لومر» نیز در التزام رکاب و جزو همراهان شاه بود. بعد از مراجعت به ایران کتابهای متعددی به منظور تعلیم موزیک‌های نظامی با خود آورد. او در زمان

سلطنت مظفرالدین شاه نیز برای خریدن پیانو به اروپا مسافرت نمود.

بعد از درگذشت لومر مدتی شعبه موزیک تعطیل گردید. او در مأموریت هنری خود به ایران موفقیت زیادی به دست آورد، زیرا توانست برنامه‌های خوبی برای موزیک نظامی تهیه نماید. بعلاوه افراد شایسته‌یی برای اداره امور تربیت کند، به طوری که بعد از مرگ وی، آنها توانستند اقدامات او را به نحو احسن دنبال نمایند.

به دنبال تأسیس مدرسه موزیک، در دارالفنون، مدرسه موزیک دیگری، که یک آموزشگاه مستقل بود تأسیس و غلامرضا مین باشیان (سالار معزز) به ریاست آن انتخاب شد. گرچه در این آموزشگاه، موسیقی نظامی تدریس می‌گردید، ولی شاگردان آن در ارکستر خود قطعاتی مانند پیش درآمد و ماهر می‌نواختند.

در سال ۱۳۰۰ پس از متحدالشکل شدن قشون ایران، به پیشنهاد مرحوم «سالار معزز» که با درجه سرتیپی به ریاست اداره کل قشون و مدرسه موزیک منصوب شده بود، به وزارت معارف «فرهنگ» وقت دستور داده شد، سرودهایی که نت آن به وسیله سالار و فرزندانش ساخته شده بود، تدریس شود.

در سال ۱۳۱۴ به دستور شاه وقت، غلامحسین مین باشیان، فرزند سالار معزز به ریاست مدرسه موزیک انتخاب شد. وی توانست در مدت ریاست خود، اقدامات مفیدی برای موسیقی ایران به عمل آورد و برای اولین بار مدرسه موزیک به صورت یک «کنسرواتوار» بین‌المللی درآمد. ولی غلامحسین مین باشیان برای اجرای نقشه‌های خود با مشکلاتی مواجه شد. زیرا او پیشبرد کار خود، موسیقی غربی را بر موسیقی ملی ترجیح داد و ده نفر از متخصصان موسیقی را در رشته‌های مختلف از چکسلواکی استخدام کرد. دوران ریاست غلامحسین مین باشیان پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ پایان یافت و استاد علی‌نقی وزیرای جای او را گرفت.<sup>(۱)</sup>

## تحول در موسیقی ایران

گرچه نخستین تحول در موسیقی ایرانی به وسیله غلامحسین درویش آغاز گردید، ولی دامنه تحولات آن با کار «مشیر همایون» در پیانو و با استفاده از سازها و اصول موسیقی غربی دنبال شد، که این امر باعث گردید که دو مکتب موسیقی در ایران به وجود آید:

۱- مکتبی که اساس آن بر موسیقی سنتی و قدیم ایران استوار بود، در حالی که از اصول و تکنیک موسیقی غربی برای اصلاح و تکمیل آن کمک گرفته می‌شد. آهنگ سازان این مکتب توانستند با حفظ اصالت موسیقی ایرانی و با همان روش و تقسیمات گذشته، موسیقی را بسط و توسعه دهند.

۲- مکتبی که موسیقی کلاسیک اروپا را اساس کار خود قرار داد و آهنگ سازان این مکتب در صدد برآمدند که با بهره‌برداری از پایه‌ها و ترانه‌های محلی، بدون رعایت ربیع پرده‌ها، موسیقی ایرانی را بین‌المللی سازند. از طرف دیگر در سالهای اخیر و پس از تأسیس اداره رادیو (۱۳۱۹) بسیاری از نوازندگان و سازندگان تصانیف، بدون آنکه دارای مکتب مشخصی باشند، وارد کار شدند. گرچه از اصول صحیحی پیروی نمی‌کردند، ولی در تحوّل و تنوّع موسیقی ایرانی نقش مؤثری داشته‌اند. از جمله توانسته‌اند توجه مردم را به موسیقی جلب نمایند و حسن انتقاد و فهم موسیقی را در آنها به وجود آورند.

### مکتب موسیقی کلاسیک ایران

یکی از وسایل آشنایی با موسیقی غربی، تأسیس مدرسه موسیقی نظام در ایران بود. اعزام محصلین ایرانی به کشورهای اروپایی و معاشرت با ملل دیگر و سپس اختراع گرامافون و رادیو باعث شد که این آشنایی بیشتر شود. شاه وقت هم در آشنا نمودن مردم با موسیقی غربی نقشی داشت. چون در سال ۱۳۱۵ برای ایجاد اپرا اقداماتی به عمل آورد، ولی چون مهندس ناآزموده‌ای عهده‌دار این کار بود، نقض بزرگی در آن پیدا شد، و بدین ترتیب کار آن ناتمام ماند و در نتیجه هنر موسیقی ایرانی از مؤسسه‌ای که می‌توانست در تحوّل آن نقش مهمی داشته باشد، محروم گردید.

هنرستان موسیقی «کنسرواتوار تهران» در پرورش ذوق هنری نوآموزان کمک مؤثری نمود و با استخدام معلمان از چکسلواکی در سال ۱۳۱۸ زیر بنای موسیقی کلاسیک ایران پایه‌گذاری شد. گرچه معلمان مذکور در شهریور ماه ۱۳۲۰ تهران را ترک گفتند، ولی هنر موسیقی به کمک علاقه‌مندان آن، مانند امین‌اله حسین و پرویز محمود راه تکامل را پیمود.<sup>(۱)</sup>

هنرستان موسیقی کنونی، در شهریور ماه ۱۳۲۸ توسط انجمن موسیقی ملی و با مساعی روح‌اله خالقی افتتاح گردید. و زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر قرار گرفت. و در سال ۱۳۲۹ به اداره کل